آینه

نه فرش قرمز و نه وضع تعرفه!

● **حسن اختری:** گرچه پیش‌بینی شاکله مجلس یازدهم از هم‌اکنون کار دشواری است؛ اما تجربه مجلس دهم و دولت یازدهم حکایت از واقعیتی به نام کم‌وزنی، گروه‌های سیاسی موجود اعم از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در به‌دست‌آوردن اکثریت مجلس یازدهم دارد. جریان اصلاح‌طلبی از مجلس هفتم و اصولگرایان از مجلس دهم دچار عارضه کم‌وزنی در معادلات سیاسی کشور شده‌اند؛ لذا بر این باورم که مجلس یازدهم به احتمال زیاد با اکثریتی به غیر از جریانات پرتوقع فعلی، از نیروها و شخصیت‌های مستقل تشکیل خواهد شد. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان دو اقلیت قوی این مجلس خواهند بود. مطالبه افکار عمومی از شورای نگهبان قانون اساسی، همان‌طور که سخنگوی محترم این نهاد بیان داشته‌اند، اعمال مرّ قانون در برگزاری مراحل مختلف انتخابات است. برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات هم، اصلا نیازی به مصلحت‌اندیشی این شورا نیست که یک جریان سیاسی انتظار پهن‌کردن فرش قرمز و جریان سیاسی دیگر توقع وضع تعرفه را داشته باشند.

علل خودبی‌کاری در اقتصاد ایران

● **سه علت برای خارج‌ماندن افراد از دایره بازار کار در صدر قرار دارد:** مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی، اشتغال به تحصیل و بی‌نیازبودن از انجام کار. ازاین‌رو زنان خانه‌دار و مشغولان به تحصیل در مقاطع تحصیلی مختلف، بخش عمده‌ای از غیرفعالان اقتصادی را تشکیل می‌دهند. نکته جالب گروه سوم و بی‌نیازان از شغل هستند که جمعیت قابل‌توجه سه میلیون نفری دارند. هرچند از تعداد این افراد در سال ۹۷، نسبت به سال ۹۶ کاسته شده است. مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار، در گزارشی ویژگی‌های جمعیت خارج از نیروی کار و علت عدم جست‌وجوی کار در سال گذشته را تحلیل کرد. هفت دلیل اصلی، برای خارج‌ماندن جمعیت از نیروی کار در نظر گرفته‌شده است که عبارت‌اند از: «زیر سن کار»، «در انتظار نتیجه اقدامات انجام‌شده و فصل کاری»، «دلسرد و ناامیدشدن از پیداکردن کار»، «اشتغال به تحصیل یا آموزش»، «مسئولیت شخصی یا خانوادگی و بی‌نیازبودن از انجام کار»، «بیماری ناتوانی جسمی موقت و بارداری» و «سایر». علتی که می‌توان دید افراد به کاریابی را نشان دهد و شاخصی برای این موضوع باشد، «دلسردشدن از جست‌وجوی کار و ناامیدشدن از پیداکردن کار» است. تقریبا ۵۳۷ هزار نفر به این دلیل، جزء جمعیت غیرفعال در سال گذشته بوده‌اند. بیشتر این جمعیت را مردان تشکیل می‌دادند و سهم زنان در حدود ۴۴ درصد بوده است.

آیا حواس‌تان هست؟

● **رضا زندی:** روزمره اقتصادی کشور سخت می‌گذرد؛ چنان‌که می‌بینید و می‌دانیم. در این شرایط آیا گوش شنوایی هست تا از «ثروت پنهان» کشور که به حال خود رها شده است، برایتان بنویسم؟ ثروتی که اگر حواس‌مان نباشد، همسایه‌مان به مرور آن را برداشت می‌کند. در همین شرایط شاید بتوان تمهیداتی در نظر گرفت تاجایی‌که می‌شود از ثروت ملی محافظت شود. میدان نفتی آزادگان (متشکل از دو بخش شمالی و جنوبی) با بیش از ۴۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت درجا، یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی ایران و حتی جهان است که با کشور عراق مشترک است. متوسط ضریب بازیافت جهانی نفت حدود ۳۵ درصد است. برای آزادگان چقدر بود؟ ۴.۵ و ۵.۱ درصد. حالا خودتان مقایسه کنید که با ثروت ملی چه می‌کنیم! اینها ممکن است به چشم امروزمان نیاید؛ اما در آینده بخشی از منابع ارزی کشور به استخراج این نفت وابسته است.

آگهی ابلاغ اجرائیه طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

بدینوسیله به شرکت تولیدی گل شو به نشانی میرداماد خیابان شهید حصاری کوی دوم پلاک ۴۰ ابلاغ میشود که بانک صادرات جهت وصول طلب خود به مبلغ ۱۰/۷۶۲/۷۷۴/۶۳۸ ریال اصل و خسارت تا تاریخ ۹۱/۷/۳۰ و از تاریخ مذکور تا روز وصول طبق مقررات به موجب سند /اسناد رهنی شماره ۳۴۱۵۹ تنظیمی دفترخانه شماره ۳۵۷ تهران علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرایی بکلاسه ۹۲۰۲۴۲۹ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مامور مربوطه آدرس شما بشرح متن سند فوق شناخته نشده و آدرس فعلی شما نیز برای این اجرا مشخص نمیباشد لذا به تقاضای وارده شماره ۱۳۰۲۱۰۸۶ -۹۸/۵/۲ بستانکار و طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجرائیه یک مرتبه در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ محسوب میگردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدامی ننمائید مورد وثیقه مندرج در سند/اسناد رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفاء خواهد شد .

م الف ۱۴۴۰۲ اداره سوم اجرای اسناد رسمی تهران

تحزب در ایران: روایت ۵۸ ساله نهضت آزادی در گفت‌وگو با محمد توسلی

دولت موقت نهضتی نبود

مهرشاد ایمانی: نهضت آزادی ایران یکی از باسابقه‌ترین احزابی است که از سال ۴۰ تاکنون توانسته خود را در عرصه سیاسی داخلی حفظ کند. این مهم در حالی است که نهضت در طول حیات خود فرازونشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. نهضت آزادی یک سال پس از تشکیل جبهه ملی دوم در سال ۴۰ تشکیل شد. محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی، باور دارد که یکی از مهم‌ترین علل پیروزی انقلاب اسلامی اقدامات نهضت آزادی بود. او حتی پا را فراتر از این می‌نهد و می‌گوید که اگر دیپلماسی انقلاب برای کاهش حمایت آمریکا از شاه از طرف سران نهضت آزادی صورت نمی‌گرفت، شاید پیروزی انقلاب با مانع روبه‌رو می‌شد. نهضت پس از انقلاب نیز دوران پرحادثه‌ای را گذراند؛ از حضور سرانش در عالی‌ترین جایگاه حکومت؛ یعنی دولت موقت تا دوران انزوا و کناره‌گیری. در ادامه جستار «تحزب در ایران» در این شماره برای بررسی جزءبه‌جزء تاریخ نهضت آزادی به سراغ محمد توسلی رفتیم و از او درباره مهم‌ترین حوادث تاریخ ۵۸ساله نهضت آزادی پرسیدیم که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

عکس: سهند تاکی، شرق

به‌عنوان نخستین موضوع بفرمایید که نهضت آزادی ایران با چه زمینه‌هایی شکل گرفت و علل اختلافات سران نهضت با اعضای جبهه ملی دوم چه بود و آن اختلافات چقدر بر شکل‌گیری نهضت تأثیر گذاشت؟

برای بازخوانی اهداف بنیان‌گذاران نهضت آزادی باید شرایط حاکم بر فضای سیاسی در اردیبهشت سال ۴۰ را بررسی کنیم. در آن ایام کندی در آمریکا به ریاست‌جمهوری رسید و با روی‌کارآمدن او فضای سیاسی ایران نیز قدری باز شد. با پیگیری کادرهای نهضت مقاومت ملی جبهه ملی دوم توانست اعلام موجودیت کند؛ اما به دلیل اختلاف مواضع جبهه ملی با کادرهای نهضت مقاومت و دلایل دیگری که به آنها اشاره خواهد شد، نهضت آزادی ایران تأسیس شد. برای بنیان‌گذاران نهضت ازجمله مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی و آیت‌الله محمود طالقانی بحث توسعه ملی و رفع علل عقب‌ماندگی ملی بسیار مهم بود؛ زیرا آنها فرزند مشروطه بودند و عصر مشروطه را لمس کرده بودند و هرکدام به‌نوعی در شرایطی تربیت یافته بودند که می‌دانستند علل رخوت جامعه ایرانی چیست. مجموعه ارزیابی ایشان این بود که باید دو عنصر استبداد و خرافات از جامعه ایران زدوده شود و برای تحقق این مهم از شهریور ۱۳۲۰ در سطوح مختلف به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دست زدند تا آنکه در آستانه دهه ۳۰ با نهضت ملی و حکومت دکتر مصدق به همکاری و فعالیت پرداختند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ برای ایستادگی در مقابل کودتای ۲۸ مرداد و ادامه راه دکتر مصدق در نهضت مقاومت ملی همکاری کردند که شما نیز در سلسله مقالات «تحزب در ایران» به جزئیات آن اشاره کرده‌اید. در این نهضت، افرادی مانند عزت‌الله سحابی، ابراهیم یزدی، رحیم عطایی، عباس امیرانتظام و عباس رادنیا فعالیت می‌کردند و هشت سال مبارزه مخفی داشتند. کادرهای زیادی در نهضت مقاومت ملی تا سال ۳۹ ساخته شد و اعضای آن توانستند رهبران خانه‌نشین جبهه ملی اول را به عرصه سیاسی بیاورند تا آنکه جبهه ملی دوم شکل گرفت. در آن زمان دکتر امینی به نخست‌وزیری رسیده بود. او در مقابل شاه ایستاد تا قدری فضای سیاسی باز شود. جبهه ملی دوم باور داشت که باید با امینی برخورد شود و اعضای جبهه جای او را بگیرند. سخن کادرهای نهضت مقاومت ملی این بود که اگر از امینی حمایت نمی‌کنیم، دست‌کم نباید چوب لای چرخش بگذاریم؛ زیرا به‌هرحال در حد توانش با نماد استبداد مقابله می‌کند. دومین نقدی که به جبهه ملی دوم وجود داشت، ساختار جبهه ملی بود که عملا با انحلال برخی احزاب هویت جبهه‌ای آن نقض شده بود. قرار بود که همه احزاب درباره محورهای مشترک در جبهه ملی گرد هم جمع شوند و فعالیت کنند و در نهایت به یک هویت مشترک تشکیلاتی برسند. همه این عوامل و دلایل دیگری که در سوابق تاریخی آمده است، باعث شد که شخصیت‌های برجسته‌ای مانند مهندس بازرگان، دکتر سحابی و آیت‌الله طالقانی به این نتیجه برسند که باید تشکیلاتی جدید ایجاد کنند تا اولویتش استبدادستیزی و تحقق آزادی باشد؛ ازاین‌رو نام نهضت آزادی برای این تشکیلات برگزیده شد. موضوع مهم دیگر مبارزه با خرافات مذهبی موجود در جامعه بود که هر دو اینها در مرام‌نامه و بیانیه تأسیس نهضت آمده است.

مرحوم مهندس بازرگان در نطق افتتاحیه نهضت آزادی گفت که ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم. همین مفهوم در بیانیه تأسیس نهضت هم آمده است. این در حالی است که دکتر مصدق مشخصا باور به سکولاریسم داشت. نهضت خود را ادامه‌دهنده راه جبهه ملی اول و شخص دکتر مصدق می‌دانست. این تعارض را چگونه می‌توان رفع کرد؟

دکتر مصدق در جایگاه رهبری نهضت ملی ایران همواره بر ایرانیت و اسلامیت تأکید داشت و در مناسبات اجتماعی و شخصی، انسانی مسلمان بود و ارزش‌های دینی را رعایت می‌کرد که این موضوع کاملا در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایشان روشن است؛ اما در مدیریت سیاسی، نگاهی سکولار داشت و دنبال آزادی، حاکمیت ملی و رفع موانع توسعه بود. بااین‌حال، پایه‌گذاران نهضت آزادی، در جایگاه نهادی اجتماعی که رسالت آگاهی‌بخشی دارد، عنصر دین را وارد گفتمان خود کردند؛ زیرا بیش از ۹۰ درصد جامعه ایران مسلمان بود و اگر نمی‌توانستند با جامعه ارتباط خوبی برقرار کنند، قادر نبودند به اصلاح عمیق اجتماعی و سیاسی دست بزنند. مهندس بازرگان در آثار خود به چگونگی توجه به عناصر فرهنگی و بومی پرداخته است و در مجموعه آثارشان که تاکنون در ۳۳ جلد تدوین و منتشر شده است، سعی کرده‌اند پاسخ این پرسش شما را بدهند. او همواره با استناد به آیات قرآن کوشیده است علاوه بر آنکه به اصلاح جامعه خود بپردازد، تأثیر عمیقی از طریق آگاهی‌بخشی نیز بر جای بگذارد. وقتی به تاریخ معاصر نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم احزابی مانند حزب توده که بی‌توجه به فرهنگ بومی ایران بودند، نتوانستند چنین تأثیری را داشته باشند.

پس شما عنصر دین در آرای نهضت را ناظر به فرهنگ بومی و اجتماعی می‌دانید و باور دارید که مهندس بازرگان مانند دکتر مصدق می‌اندیشید؟

مهندس بازرگان بر پایه آموزه‌های صریح قرآن، باور داشت دین و نهاد روحانیت باید در عرصه عمومی حضور داشته باشند تا بتوانند زمینه‌های رشد اجتماعی را ایجاد کنند تا شهروندان با ارزش‌های راهبردی آشنا شوند و آنها را مطالبه کنند؛ اما نهاد روحانیت نباید در قدرت ورود کند.

قدری جلو برویم و برسیم به توقف فعالیت‌های نهضت آزادی در سال ۱۳۴۴؛ علت چه بود؟

در دوره اول فعالیت، یعنی تا سال ۴۴، نهضت آزادی در دفتر خیابان کاخ سابق یا همان فلسطین فعلی فعالیت می‌کرد. جبهه ملی دوم نیز در خیابان فخرآباد در ساختمانی که اکنون اداره برق در آنجا برپاست، فعالیت داشت. بعد از آنکه دکتر امینی به نخست‌وزیری رسید، شاه به آمریکا رفت و بعد از بازگشتش زمینه حذف امینی فراهم شد. در آن شرایط، جبهه ملی دوم و نهضت آزادی به‌شدت با محدودیت روبه‌رو شدند. شاه متوجه شده بود برای پیشبرد اهداف آمریکا در ایران، سد مهمی به نام روحانیت در پیش‌رویش قرار دارد. در شهریور سال ۴۱ وقتی بحث انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شد، روحانیت سنتی با هر سه محور این طرح مخالفت کردند؛ زیرا شرکت زنان در انتخابات، اصلاحات ارضی و سوگند به کتاب آسمانی به‌جای قرآن را مخالف دیدگاه‌های خود می‌دانستند. اوج چنین مخالفت‌هایی بیانیه سه مرجع وقت، یعنی آیت‌الله خمینی، آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله گلپایگانی بود که رسانه‌های وابسته به نظام وقت از این بیانیه با عنوان «ارتجاع سیاه» یاد کردند. سران نهضت در آن زمان احساس مسئولیت کردند؛ زیرا دریافتند با تداوم این روند، جنبش اجتماعی آسیب خواهد دید. سران نهضت بعد از دیدار با مراجع قم، چند بیانیه هم صادر کردند و گفتند مگر مردان در انتخابات آزادند که سخن از آزادی زنان زده می‌شود و هدف از اصلاحات ارضی چه چیزی می‌تواند جز نابودی کشاورزی باشد و در نهایت چرا در شرایطی که بیش از ۹۰ درصد مردم ایران مسلمان‌اند، بحث سوگند به کتاب آسمانی به‌جای قرآن مطرح می‌شود؟ بعد از آن، توجه مراجع به‌ویژه آیت‌الله خمینی متوجه مشکل اصلی جامعه ما، یعنی استبداد و نماد آن شاه شد و متعاقب آن رخدادهای دیگری مانند حمله به فیضیه قم، قیام ۱۵خرداد و... رخ داد تا آنکه در بهمن سال ۴۱، بحث رفراندوم شش‌ماده‌ای شاه مطرح شد. نهضت آزادی بیانیه‌ای اعتراضی با عنوان «ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ(!) و برگرداندن تاریخ خود» در تاریخ سوم بهمن صادر کرد که در پی آن سران نهضت و در مرحله بعد فعالان نهضت بازداشت شدند و فعالیت نهضت متوقف شد. در سال‌های ۴۲ و ۴۳ سران و فعالان نهضت در دادگاه نظامی محاکمه و تمام آنها از سه تا ۱۰ سال محکومیت گرفتند که تفصیل این رویدادها در اسناد تاریخی آمده است.

بعد از سال ۴۴ عمده فعالیت‌های نهضت در خارج از کشور متمرکز شد. چطور شد که شخصیت‌هایی مانند دکتر شریعتی و دکتر چمران به نهضت پیوستند؟

در سال ۴۰ و با تأسیس نهضت آزادی در داخل، جمعی از دوستان ما که قبلا در فعالیت نهضت مقاومت ملی و انجمن اسلامی دانشجویان حضور داشتند، مانند دکتر شریعتی و پرویز امین در اروپا و دکتر یزدی، دکتر چمران و صادق قطب‌زاده در آمریکا، نهضت آزادی ایران در خارج از کشور را در سال ۱۳۴۱ ایجاد کردند. من نیز در سال ۴۱ که برای ادامه تحصیل به آلمان رفته بودم، زمینه‌های تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا را فراهم کردم و دکتر مهدی بهادرنژاد، دکتر چمران، دکتر یزدی و... انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا را تشکیل دادند. نهادهای این‌چنینی تا پیروزی انقلاب نقش مهمی در تربیت کادرها داشتند و به‌تدریج باعث تحولات داخلی شدند. این روند ادامه داشت تا آنکه جنبش مسلحانه در ایران پدید آمد و در سال ۵۰ سازمان مجاهدین خلق اعلام موجودیت کرد. دوستان ما در خارج از کشور احساس مسئولیت کردند و برای انتشار اخبار داخل کشور، نشریه «پیام مجاهد» ارگان نهضت آزادی خارج از کشور را منتشر کردند؛ اما تغییر موضع سازمان و انشعاب درون‌سازمانی مجاهدین، ضربه سنگینی به جریان مبارزات وارد کرد.

رویکرد نهضت نسبت به عملکرد مجاهدین چه بود؟

مجاهدین به‌لحاظ سازمانی مستقل عمل می‌کردند و ارتباطی به نهضت آزادی نداشتند، اما در آن زمان جامعه از مبارزه انقلابی و مسلحانه استقبال می‌کرد، زیرا فضای اختناق بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ بسیار سنگین بود؛ از سوی دیگر تجربه و گفتمان جهانی آن دوره نیز مبارزه انقلابی و مسلحانه را برای مقابله با استبداد می‌پذیرفت. در این دوره برخی از اعضای نهضت، برخی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه، بازاری‌ها، جمعی از روحانیت مبارز مانند آقای هاشمی‌رفسنجانی و افرادی مانند شهید رجایی از آنها حمایت می‌کردند. این روند ادامه داشت تا آنکه در سال ۵۴ در سازمان مجاهدین خلق انشعابی مهم با تغییر مواضع رخ داد و اعلام کردند در مسیر مبارزات خود با تأکید بر گفتمان مارکسیسم عنصر دین را کنار می‌گذارند.

دکتر شریعتی در این دوره چه نقشی داشت؟

در چنین فضایی دکتر شریعتی در سال ۱۳۴۳ به ایران آمد و توانست با گفتمان‌سازی براساس آموزه‌های اسلامی نشان دهد که تحقق عدالت اجتماعی که مورد توجه نسل جوان بود، تنها از راه مارکسیسم نمی‌گذرد، بلکه می‌توان با آموزه‌های دینی و فرهنگ بومی به آرمان عدالت‌خواهی جامه عمل پوشاند. سخنرانی‌های او در داخل کشور به‌ویژه در حسینیه ارشاد موج وسیعی ایجاد کرد و توانست نسل جوان را متوجه ظرفیت‌های فرهنگ بومی کند و انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور را هم متحول کند. این مقطع در تقویت جنبش اجتماعی ایران بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است.

شما باور دارید که سازمان مجاهدین در تمام ابعاد مستقل از نهضت عمل می‌کرد؛ با طرح این گزاره چرا انشعاب درونی این سازمان این‌قدر در نگاه شما به روند مبارزات ضربه وارد کرد؟

در بیانیه انشعاب سازمان بیشترین حمله به گفتمان نهضت آزادی و شخص مهندس بازرگان شده بود؛ از سوی دیگر بخشی از یک سازمان با نگاه اسلامی اعلام کرد دیگر مبانی اسلامی در مسیر مبارزاتشان طریقت ندارد و این شوک سنگینی به جامعه به‌ویژه در دو نهاد دانشگاه و بازار که نقش مهمی در جنبش اجتماعی داشتند، وارد کرد. مضافا آنکه بیانیه انشعاب، اوضاع را در زندان‌ها بر هم زد و فضای سنگینی را بر مسیر مبارزات تحمیل کرد و در داخل زندان‌ها باعث بروز شکاف‌های عمیق میان زندانیان و خاصه میان مجاهدین خلق و زندانیان طرفدار روحانیت مانند لاجوردی و رجایی و اعضای مؤتلفه و حزب ملل اسلامی شد که ریشه همین اختلاف‌های درون زندان را بعد از انقلاب هم می‌توان مشاهده کرد؛ یعنی زمینه اختلافات در زندان شکل گرفت و در نهایت به بروز خشونت‌های بعدی منجر شد.

یکی از مقاطع مهم در تاریخ نهضت آزادی حد فاصل سال‌های ۵۴ تا ۵۷ است که فعالیت‌های نهضت آزادی بسیار گسترش می‌یابد و می‌تواند در پیروزی انقلاب اسلامی مؤثر عمل کند. قدری از اقدامات نهضت در این سال‌ها بگویید.

دوستان ما همراه با نیروهای ملی با استفاده از فضای سیاسی حاصل از برنامه حقوق بشر کارتر و فشار بر دولت ایران «جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر» را در فروردین ۱۳۵۶ تشکیل دادند و مهندس بازرگان را به‌عنوان دبیر کل خود معرفی کردند. اقدامات این جمعیت زمینه آزادی زندانیان روحانیون و دانشجویان را ایجاد کرد و باعث جلب حمایت‌های بین‌المللی برای دفاع از زندانیان، کاهش سلطه ساواک و بازشدن نسبی فضای سیاسی شد. در آن ایام برنامه‌های آگاهی‌بخش از جمله سلسله‌سخنرانی‌هایی در شهریور ۵۶ در مسجد قبا برگزار شد. به یاد دارم که میزان استقبال از سخنرانی‌های مسجد قبا به‌نحوی بود که کل خیابان قبا تا خیابان شریعتی مملو از جمعیت می‌شد. با این اقدامات مشخص شد که روشنفکری دینی می‌تواند بر مردم تأثیر بگذارد و جریان مبارزات را هدایت کند و افرادی مانند مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر توسلی، دکتر سامی و دکتر پیمان در این برنامه‌های آگاهی‌بخشی تأثیر شگرفی داشتند. در سال ۵۶ اولین نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه به امامت آیت‌الله سیدابوالفضل زنجانی (برادر سیدرضا زنجانی) برگزار شد. نماز عید فطر بعدی در سال ۵۷ به امامت مرحوم دکتر مفتح توانست نخستین راهپیمایی خودجوش مردمی را ایجاد کند و بعد از آن، اتفاقات دیگری مانند میدان شهدا رخ داد. یکی از موضوعات مهم دیگر تجدید سازمان نهضت آزادی در نیمه دوم سال ۵۶ و صدور بیانیه‌های آگاهی‌بخش در طول سال ۵۷ بوده است. نهضت در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسید که در برخورد با نظام استبدادی شاه به تقویت جنبش اجتماعی نیاز داریم؛ از سوی دیگر تا زمانی که آمریکا دست حمایت خود را از پشت شاه برنداشته است، نمی‌توان انتظار موفقیت داشت. با چنین تحلیلی دو محور در دستور کار قرار گرفت؛ نخست تقویت جنبش اجتماعی و دوم دیپلماسی انقلاب. اعضای نهضت به چهار نفر آقایان مهندس بازرگان، دکتر سحابی، احمد صدرحاج‌سیدجوادی و این‌جانب مأموریت دادند تا مذاکره با آمریکا و دیپلماسی انقلاب را پی بگیریم. این مذاکرات در اردیبهشت سال ۵۷ آغاز شد و توانستیم با آقای جان استمپل دیداری داشته باشیم. این مذاکرات در منزل دکتر فریدون سحابی انجام می‌شد و من نقش مترجم را ایفا می‌کردم. چنین مذاکراتی به‌تدریج باعث کاهش حمایت آمریکا از نظام شاه شد. بعد از آن هم دیپلماسی انقلاب توسط آیت‌الله خمینی در نوفل‌لوشاتو پیگیری شد. بی‌تردید اگر دیپلماسی انقلاب انجام نمی‌شد، انقلاب ایران نمی‌توانست به پیروزی برسد. راهپیمایی‌های میلیونی مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا نیز رخداد بسیار مهمی است که در روز تاسوعا روز جهانی حقوق بشر به دعوت جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، آیت‌الله طالقانی و روحانیت مبارز آغاز شد و در روز عاشورا به یک رفراندوم فراگیر برای رفتن شاه و نفی استبداد تبدیل شد و این مطالبه تاریخی ملت ایران در رسانه‌های جهانی بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. برای راه‌اندازی مجدد صنعت نفت برای مصارف داخلی هم رهبر فقید انقلاب به آقایان مهندس بازرگان، هاشمی‌رفسنجانی و مهندس کتیرایی مأموریت دادند و برای مدیریت اعتصابات آقایان دکتر سحابی، دکتر باهنر و مهندس معین فر را منصوب کردند. بعد از مهر ۵۷ و هنگامی که رهبر فقید انقلاب مجبور به ترک عراق شدند و به نوفل‌لوشاتو رفتند، در آن ۱۱۸روز اقامت در نوفل‌لو شاتو مطالبات تاریخی ملت ایران یعنی آزادی، استقلال، جمهوریت و حاکمیت ملت در بام رسانه‌های جهانی معرفی شد. البته در انقلاب همه مردم و گروه‌های اجتماعی با انسجام حول نفی استبداد حضور داشتند اما نقش نهضت آزادی در مدیریت انقلاب و روحانیت مبارز در به صحنه‌آوردن مردم، کاملا برجسته است.

ادامه در صفحه ۱۰

جناب آقای محمدرضا یزدی‌زاده
دوست دیرین و همکار قدیمی

اندوه از دست دادن مادر، رنجی‌ست بزرگ که تا همیشه با آدمی می‌ماند و داغ رفتن‌اش هیچ‌گاه در دل کهنه نمی‌شود؛ و گاهی آنقدر دل‌تنگ‌ات می‌کند که برای یک لحظه دیدار دوباره‌اش حاضری جان را ارزانی کنی؛ مرا در این درد جانکاه شریک غم خود بدان.

شهلا لاهیجی
مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه
سازمان عدالت و آزادی ایران اسلامی

از کلیه اعضای اصلی دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی این حزب که در ساعت ۸:۳۰ صبح روز جمعه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۵ در محل تالار شهید آوینی دانشگاه اصفهان واقع در خیابان هزار جریب برگزار می شود.

یادداشت

غروب شمس

رحیم عبادی

● این روزها مردی دانا و خادمی خستگی‌ناپذیر که خدمات بزرگی برای ایران و اسلام از خود برجای گذاشت، از میان ما رفت و همه ما را درماتم خود داغدار کرد. زنده‌یاد دکترسید شمس‌الدین وهابی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه و خادم انقلاب و کشور، بعد از تحمل بیماری سخت، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد، اما شایستگی‌هایی از خود برجای گذاشت که می‌تواند راهنمای عمل ما باشد.

آزاداندیشی ثابت‌قدم

بیش از ۴۰ سال با او حشرونشر داشتم، انسان بزرگ، آزاده و استوار، اهل مطالعه و تحقیق و پرسشگری مداوم، در هر جمع و محفلی حضور می‌یافت حرف جدید برای گفتن و احساس مسئولیتی برای عمل‌کردن داشت. در بیان نظرات آزاد، مستقل و شجاع بود و بر اندیشه‌های خود ثابت و استوار.

سیاست‌ورزی صادق

او در عین حال که دانش‌آموخته دانشکده فنی دانشگاه تهران و در حوزه تخصصی فعال بود و با وجود بیماری در ترم جاری و اهتمام در تدریس دروس تخصصی، یک لحظه از مسئولیت‌های اجتماعی غافل نشد. از دوران دانشجویی از بنیان‌گذاران و فعالان انجمن اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) و از اعضای مؤثر دانشجویان خط امام و از مؤسسان احزاب مشارکت، اتحاد و عضو فعال انجمن مدرسین دانشگاه‌ها و بسیاری از نهادهای صنفی و سیاسی بود. اما آنچه مهم‌تر از حضور و فعالیت مستمر و مؤثر او برجسته بود، صداقت او در سیاست‌ورزی است؛ از ویژگی‌های ممتاز دوست دیرین ما پرهیز از سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی و ملزم به رفتار صادقانه در امور سیاسی بود.

اصلاح‌طلبی اصولگرا

از ویژگی‌های بارز شمس‌الدین عزیز مشی اصلاح‌طلبی او بود؛ او در هر جا که حضور می‌یافت، تغییر و اصلاح و بهبود اوضاع را به‌جد جست‌وجو می‌کرد. او به‌واقع مصداق یک اصلاح‌طلب تحول‌خواه بود و با استفاده از هوش، دانایی و توان خود در هر عرصه‌ای حضور می‌یافت. منشأ تحولات اساسی به نفع مردم و تلاش همه‌جانبه برای نهادینه‌کردن تحولات و پایدارکردن اصلاحات بود، اما آنچه او را از دیگران متمایز می‌کرد، پای‌بندی به اصول همراه با پذیرش تغییرات بوده است. او هیچ‌گاه تغییرات را فدای اصول نمی‌کرد و همین امر موجب مقبولیت و پذیرش نظرات او در هر محفل و مجلس تخصصی و حرفه‌ای و سیاسی می‌شد.

انضباط تشکیلاتی

یکی از خلأهای مدیریتی در کشور، نداشتن انضباط و دوری از روحیه جمعی و تشکیلاتی است؛ امری که موجب ناکارآمدی و عدم اثربخشی سازمان‌ها و نهادهای دولتی، عمومی و احزاب سیاسی شده است. لازمه تحقق افکار و اندیشه‌ها داشتن نظم و انضباط و سازمان‌دهی افراد برای تحقق برنامه‌ها و اندیشه است. شمس‌الدین وهابی از معدود شخصیت‌هایی بود که در عین پای‌بندی به نظم و انضباط، روحیه کار جمعی داشت و قادر به توانمندسازی جمع‌های سازمان‌یافته و ارتقای بهره‌وری و تشکیلاتی جمع‌های پراکنده بود و همین امر اثرگذاری او را در هر جا که حضور می‌یافت، بیشتر و بیشتر می‌کرد و همواره در محافل به دلیل این توانایی، از او به نیکی یاد می‌شود.

اقتصاددانی پاک‌دست

مرحوم شمس دکترای خود را در رشته اقتصاد دانشگاه تهران به اتمام رساند و همین امر حضور او را برای ورود به عرصه اقتصادی تسهیل کرد. او در مجلس ششم در کمیسیون اقتصادی با همکاری سایر همراهان خود قوانین ماندگاری طراحی کرد و به تصویب رساند و درعین‌حال به مشاوره و برنامه‌ریزی در سازمان‌های اقتصادی هم می‌پرداخت. جالب است او با همه این علم و دانش و ارتباطات اقتصادی، زندگی مقتصدانه و عارفانه‌ای داشت و زرق و برق دنیا در نظر او بسیار بی‌ارزش بود و باوجود همه تنگناهای اقتصادی و تحمل شرایط سخت، به‌ویژه در ایام طولانی درمان، یک لحظه از زندگی ساده و مردمی خود غافل نشد و همچنان ساده‌زیستی و پاک‌دستی را سرلوحه کار و زندگی خود کرد.

مردم‌دار و حافظ حقوق ملت

او با مردم زیست، برای مردم خدمت کرد و همواره در همه عرصه‌ها برای احقاق حقوق ملت با همه توان تلاش و مبارزه می‌کرد. مرد گمنامی بود که پنهان و بی‌ادعا در هر محفلی حضور می‌یافت، بی‌ادعا و بی‌تکلف در گوشه‌ای می‌نشست.او با قامتی استوار و با اعتمادبه‌نفسی مثال‌زدنی برای احقاق حقوق مردم ایستادگی می‌کرد و هزینه‌های فراوانی را به جان می‌خرید، اما برای احقاق حقوق عامه لحظه‌ای به خود تردید نمی‌داد.مرحوم سیدشمس‌الدین وهابی الگو برای همه کسانی است که می‌خواهند آزادانه بیندیشند، عدالت‌خواهی را همواره در زندگی خود دنبال کنند وخدمت‌گزاری بی‌منت و صادق برای مردم و ایران عزیزمان باشند. او فرزند راستین انقلاب اسلامی و امام خمینی بود که مظلومانه زیست و غریبانه به دیدار حق شتافت.